

جهاد تبیین و روایت - ۲
ویژه بررسی کارکردهای سپاه

گاهنامه سخنرانی هادی

کارکردهای سپاه و چرایی تخریب آن

مدیر مسئول:
دکتر یدالله جوانی

زیر نظر کارشناسان
اداره تحلیل و هدایت سیاسی

نویسندگان: یعقوب ربیعی
مصطفی قربانی

شماره: ۵۰۵

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

طبقه‌بندی: عادی

اداره تحلیل و هدایت سیاسی
معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان گرامی:

گاهنامه سخن هادی با هدف اطلاع رسانی مهمترین محورهای سخنرانی سیاسی در موضوعات مختلف جهت بهره‌برداری مسئولین و هادیان سیاسی منتشر می‌شود. ارائه انتقادات و پیشنهادات سازنده شما موجب تقویت گاهنامه خواهد شد.

چکیده

۱. در برهه‌ی بعد از جنگ تحمیلی می‌توان از دو موج تخریب سپاه سخن گفت: موج اول مصادف است با ایام فتنه ۸۸ که با توجه به نقش محوری سپاه در خنثی‌سازی این «جنگ نرم و فتنه تمام عیار»، در آن مقطع شاهد تشدید بی‌رویه تهاجم‌ها، تهمت‌ها و تخریب‌ها علیه سپاه بودیم. موج دوم تخریب‌ها علیه سپاه به برهه از سرگیری «فشارهای حداکثری و جامع» دشمن برمی‌گردد.

۲. کادرسازی انقلابی، ایجاد بازدارندگی دفاعی، بازوی صدور انقلاب، ایجاد امنیت پایدار بر پایه توانمندی‌های بومی، هم‌افزایی با ارکان نظام در خدمت به محرومین و مستضعفین و مقابله با جنگ نرم با تأکید بر جهاد تبیین مهمترین کارکردهای سپاه از ابتدای انقلاب تا کنون بوده است.

۳. مهمترین دلایل تخریب سپاه عبارت‌اند از: تفاوت ماهوی سپاه با نظام سلطه، ستون خیمه سپاه برای انقلاب اسلامی، شکست طرح‌های استکبار جهانی خصوصاً آمریکا، ناکارآمدسازی تحریم‌ها و فشار حداکثری، ایجاد بازدارندگی دفاعی از سوی سپاه، اثبات کارآمدی سپاه در شرایط جنگ شناختی دشمن و شکست دادن دشمن در این جنگ که یکی از مهمترین دستاوردهای این پیروزی، تقویت امید و اعتماد در داخل کشور است.

۴. ارکان تخریب سپاه عبارت‌اند از: دشمنان خارجی (مثلث غربی، عبری، عربی)، ضدانقلاب خارج‌نشین و اپوزیسیون داخلی.

۵. مهمترین شبهات علیه سپاه متوجه نقش‌آفرینی‌های سپاه در حوزه سیاست و فعالیت‌های عمرانی – سازندگی آن است که در همه این موارد، سپاه اولاً براساس رسالت‌های ذاتی خود، ثانیاً براساس موازین قانونی، ثالثاً به منظور مقابله با تحرکات دشمنان و کمک به استحکام قدرت نظام و حل مشکلات کشور ورود می‌کند.

کارکردهای سپاه و چرایی تخریب آن

مقدمه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مهمترین نهادهای انقلابی کشور است که علی‌رغم کارکردهای متعددی که در حوزه‌های نرم، نیمه‌سخت و سخت و ترکیبی دارد، همواره مورد تهاجم و تخریب دشمنان و جریان‌های خزنده‌ی داخلی است. درواقع، اگرچه سپاه از همان ابتدای تشکیل مورد تخریب دشمنان بوده، اما به موازات نقش‌آفرینی‌های سپاه در مسیر استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی در ابعاد داخلی اعم از حوزه‌های دفاعی، علمی، عمرانی و سازندگی و... و منطقه‌ای، بتدریج دامنه‌ی تخریب‌ها و تهاجم‌ها علیه سپاه تقویت شده است.

به طور دقیق‌تر، باید گفت که هر چه از ابتدای انقلاب فاصله می‌گیریم، شدت تخریب‌های سپاه بیشتر می‌شود، به گونه‌ای که در برهه‌ی بعد از جنگ تحمیلی می‌توان از دو موج تخریب سپاه سخن گفت: موج اول مصادف است با ایام فتنه ۸۸ که با توجه به نقش محوری سپاه در خنثی‌سازی این «جنگ نرم و فتنه تمام عیار»، در آن مقطع شاهد تشدید بی‌رویه تهاجم‌ها، تهمت‌ها و تخریب‌ها علیه سپاه بودیم. موج دوم تخریب‌ها علیه سپاه به برهه از سرگیری «فشارهای حداکثری و جامع» دشمن برمی‌گردد. درواقع، بویژه بعد از آنکه جنگ ترکیبی با محوریت جنگ اقتصادی و جنگ روانی - رسانه‌ای، در دستور کار دشمن قرار گرفت، تهاجم به نهادهای انقلابی مانند سپاه بیش از پیش مورد توجه جبهه دشمنان قرار گرفت. این تهاجم‌ها علیه سپاه در حالی است که به تعبیر مقام معظم رهبری، سپاه «عمود خیمه انقلاب» و یکی از عناصر قدرت درون‌زای نظام است که امروزه یکی از سدهای محکم در برابر تهاجم‌های ترکیبی دشمن محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، سپاه در شرایطی مورد تهاجم و تخریب قرار می‌گیرد که در ۴۳ سال اخیر، با کارکردهای خود، منشأ آثار فراوانی بوده است. بنابراین، در متن حاضر تلاش می‌شود تا ضمن تشریح کارکردهای سپاه، چرایی و عوامل تخریب آن نیز مورد واکاوی قرار گیرد.

کارکردهای سپاه در نظام اسلامی

سپاه از آغاز شکل‌گیری تا به امروز خدمات شایانی را به انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و مردم نموده است که این خدمات بارها مورد تحسین امام راحل و مقام معظم رهبری نیز قرار گرفته است. اینکه امام خمینی می‌فرماید: «اگر سپاه نبود، کشور نبود» و مقام معظم رهبری معتقدند: «سپاه سنگر مستحکم انقلاب است»، به خاطر تأثیرگذاری و خدمات سپاه به انقلاب است. به صورت کلی می‌توان کارکردهای سپاه از آغاز تا به امروز را در موارد ذیل تشریح نمود:

۱. کادرسازی برای انقلاب اسلامی

وجود منابع انسانی توانمند یکی از نیازها و الزامات هر ساختار و نظام سیاسی است. کادرسازی و انسان‌پروری با توجه به تفاوت ماهوی انقلاب اسلامی با رژیم پهلوی یکی از الزامات اصلی انقلاب بود؛ چرا که در دوره‌های سابق شاهد افراد خودباخته‌ای همچون تقی‌زاده‌ها و رزم‌آراها بودیم که باید در رویکرد جدید از سیستم حذف و منابع انسانی

تراز انقلاب اسلامی جایگزین آنها می‌گردید. همه اذعان دارند که یکی از مهمترین نهادهایی که توانسته است در ساخت نیروی انسانی توانمند و متعهد جهت انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پیشتاز باشد، سپاه پاسداران است. قابل ذکر است که بسیاری از مسئولان کنونی و گذشته کشور، سابقه عضویت در سپاه دارند و در واقع، بویژه در دهه اول انقلاب، سپاه دانشگاه تربیت نخبگان انقلابی بود.

در این زمینه، رهبر معظم انقلاب، سپاه را مصداق آیه ۲۳ سوره احزاب می‌دانند و می‌فرمایند: «سپاه، با حضور و فداکاری صادقانه خود که مصداق این آیه شریفه است که «صدقوا ما عاهدوا الله علیه»، حقیقتی از حقایق اسلام را زنده کرد؛ و آن این‌که: بشر - همین بشر معمولی و اسیر علل و اسباب عادی - وقتی که با خدا رابطه برقرار می‌کند، چگونه آن سلطه عظیم و اقتدار معنوی را می‌یابد، که حتی بر علل و عوامل تردیدناپذیر عالم ماده هم غلبه پیدا می‌کند.» لذا بر این اساس شهدای سپاه مانند شهیدان باکری، همت، همدانی، سلیمانی و... را مصداق بخش اول آیه، یعنی «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ» دانست که جانشان را به مصداق «مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» در طبق اخلاص گذاشتند تا به مردم ایران و منطقه امنیت ببخشند و امروز ما ثمره چنین اینارگری‌هایی را بصورت ملموس در سراسر منطقه مشاهده می‌کنیم. اما با توجه به استمرار و سیورورت انقلاب اسلامی این کادرسازی محدود به دفاع مقدس نگشته و ما شاهدیم که نیروهای سپاه در همه عرصه‌های انقلاب از جنگ سوریه تا زلزله کرمانشاه، سیل خوزستان و ... حضور دارند؛ لذا فرماندهان و مجاهدان امروز سپاه خصوصاً نیروهای جوان را می‌توان مصداق بخش دوم آیه، یعنی «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ» دانست که با وجود ندیدن پیروزی انقلاب و شخص امام راحل(ره) حاضر به جان فشانی برای انقلاب اسلامی هستند.

۲. ایجاد بازدارندگی دفاعی

وجود شرایط آنارشیک در نظام بین‌الملل و تلاش همه واحدهای سیاسی برای بقای خود باعث شده است که ایجاد بازدارندگی یکی از الزامات بقا در این نظام باشد. تجربه تاریخی نیز نشان داده است که کشورهایی مانند اوکراین، عراق، لیبی و ... زمانی مورد حمله قرار گرفتند که بازدارندگی نداشتند. براین اساس، باید یکی از خدمات و کارکردهای سپاه در نظام اسلامی را ایجاد بازدارندگی دفاعی مؤثر دانست.

در اهمیت بازدارندگی دفاعی بررسی کشور عراق واجد درس‌ها و عبرت‌هایی است. پس از حمله ارتش بعث عراق به کویت و اشغال کویت که با واکنش نظامی ائتلافی به رهبری آمریکا همراه شد، دولت‌های غربی با محوریت آمریکا به سمت خلع سلاح عراق و ساقط کردن رژیم بعث رفتند و برای این منظور به تحریم عراق پرداختند؛ روند تحریم‌ها به گونه‌ای بغداد را در تنگنا قرار داد که متهی به پذیرش فروش صرف «نفت در برابر تامین غذا» شد و اقتصاد عراق را متلاشی کرد. همزمان آمریکا پس از اشغال نسبتاً سریع افغانستان، نیروهای نظامی‌اش در خاورمیانه را به ۲۰۰ هزار نفر افزایش داد. در چنین شرایطی، صدام حسین در ۱۱ اسفند ۱۳۸۱ پذیرفت که موشک‌های الصمود ۲، یعنی آخرین بقایای توان موشکی‌اش را نیز به دستور بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل نابود کند و بدین ترتیب، روند خلع سلاح عراق کامل

شد، اما دقیقاً ۱۷ روز بعد؛ یعنی در ۲۹ اسفند ۱۳۸۱، عراق مورد حمله آمریکا قرار گرفت. بنابراین، در شرایط ضعف بازدارندگی، هر لحظه باید منتظر عملی شدن تهدیدهای دشمنان باشیم

نکته مهم درباره ایجاد بازدارندگی از سوی سپاه و سایر نهادهای نظامی کشور آن است که این بازدارندگی پدید آمده دارای چهار ویژگی قابل تبیین و تحلیل است:

الف: بازدارندگی شکل گرفته توسط سپاه در حالی است که جمهوری اسلامی ایران حدود ۲.۵٪ کل تولید ناخالص داخلی (GDP) خود را خرج مسائل نظامی می‌کند. قابل ذکر است که در میان کشورهای منطقه، ایران کمترین سهم از تولید ناخالص داخلی خود را به امور دفاعی اختصاص می‌دهد. این رقم در رژیم سابق، ۱۲ درصد از کل (GDP) بود.

ب: این بازدارندگی کاملاً بومی و براساس توانمندی‌های داخلی است. در واقع، در شرایط تحریم و فشارهای حداکثری حاصل شده است.

ج: این برخلاف نگاه جریان غربگرای داخلی است که با دوقطبی گفتمان - موشک و یا تعابیری مانند برجام موشکی به دنبال خلع سلاح و از بین بردن مؤلفه‌های قدرت‌ساز کشور بودند.

د: امروز برخی کشورها مانند امارات، عربستان و ... مجبور هستند که امنیت خود را به وجود رژیم صهیونیستی یا آمریکا پیوند بزنند که تجربه بحران اخیر اوکراین و روسیه نشان داد این بازدارندگی وابسته محکوم به شکست است.

۳. بازوی صدور انقلاب

شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، مبتنی بر فطرت عامه و الهی است. لذا مخاطب آن، ابناء بشر است و نه طبقه یا گروهی خاص. بر این اساس، به تعبیر مقام معظم رهبری، صدور انقلاب را باید «صدور فرهنگ انسان‌ساز اسلام و صدور صفا و خلوص و تکیه و اصرار بر ارزش‌های انسانی» دانست.

در این زمینه، سومین دستاورد و کارکرد سپاه را باید صدور انقلاب به منطقه و جهان دانست. البته این نکته را باید مد نظر داشت که «انقلاب، محموله نیست که بتوان آن را به جای دیگری برد و یا به کشور دیگری صادر کرد. انقلاب، با جاذبه‌های خودش صادر شده است.»^۱ لذا صدور انقلاب توسط سپاه را باید در تعمیق بخشی به اصولی مانند استقلال‌خواهی، استکبارستیزی، تکیه بر هویت اصیل ملی و اسلامی، تکیه بر توانمندی‌های داخلی و ... دانست که باعث شده است جذابیت‌هایی را برای بسیاری از جوامع و نهضت‌های درون منطقه غرب آسیا و فراتر از منطقه بوجود بیاورد.

این هویت‌بخشی و ایجاد روحیه استکبارستیزی باعث تحولاتی شگرف در منطقه از شکل‌گیری حزب‌الله در لبنان تا تقویت گروه‌های مقاومت در یمن، فلسطین، عراق و ... شده است. نقطه اوج این امر تشکیل اولین ارتش هویتی فراملی در منطقه و جهان در تقابل با گروهک تکفیری داعش با مدیریت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. برخلاف ارتش‌های معمولی که برای منافع کشورها یا دولتمردان خود می‌جنگند، این ارتش هویتی فراملی در جایی که اسلام در

۱ - بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۲/۰۱/۰۴.

خطر بوده یا استکبار جهانی خواسته ساختار منطقه را تغییر دهد و یا به مسلمانان تعرض کند، حاضر بوده‌اند که نمونه موردی آن را باید در تقابل با فتنه داعش که به نوعی یکی از طراحی‌های استکبار جهانی جهت تغییر نقشه جغرافیایی منطقه بود، مشاهده کرد. سپاه پاسداران امروز و به واسطه این بازندارندگی و ساخت ارتش هویتی فراملی یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای است که به نوبه‌ی خود دستاوردهای منطقه‌ای برای کشور به ارمغان آورده است.

۴. ایجاد امنیت پایدار بر پایه توانمندی‌های بومی

قرار گرفتن در منطقه پرآشوب غرب آسیا، گستره مرزی در چهارگوشه کشور و کشورهای پرتنش در محیط پیرامونی و همسایگی ایران تأمین امنیت برای مرزهای داخلی و خارجی را با تهدیدات و چالش‌های متنوعی روبه‌رو کرده است. بدون تردید باید پذیرفت که حفظ امنیت و مواجهه درست با این چالش‌ها در محیطی که پیرامون آن در دریای موجی از تلاطم و ناامنی قرار دارد، کار دشواری می‌نماید. تکیه بر ارکان داخلی و عناصر قدرت ملی برای تأمین امنیت کشور رویکردی است که در حیطه استراتژی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود. همین مسأله باعث شده با وجود اینکه منطقه غرب آسیا و خاورمیانه با چالش‌های امنیتی فراوانی روبه‌رو است، اما مرزهای داخلی جمهوری اسلامی ایران از امنیتی پایدار برخوردار باشد.

با این اوصاف، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با نقش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف در رفع این تهدیدات کامیابی‌های فراوانی داشته است. این امنیت پایدار از طریق مقابله با تهدیدات و تروریست‌ها در نقطه سر منشأ و مبدأ شکل‌گیری، تأمین امنیت مرزهای جنوب شرق و شمال غرب، امنیت اقتصادی و مقابله با مفسدین، امنیت خطوط هوایی و امنیت پروازهای داخلی و خارجی و... شکل گرفته و روز به روز در حال بالنده‌تر شدن و پویایی بیشتر است.

۵. هم‌افزایی با ارکان نظام در خدمت به محرومان و مستضعفان

کارکرد پنجم سپاه، هم‌افزایی با همه دولت‌ها جهت محرومیت‌زدایی از جامعه و پیشرفت کشور بوده است. این هم‌افزایی بدون نگاه حزبی و صرفاً براساس احساس نیاز انقلاب و نظام و مطابق با بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که می‌فرمایند «با همه‌ی اجزاء عظیم تشکیل‌دهنده‌ی نظام اسلامی اعم از دولت، مجلس و قوه‌ی قضائیه و بخش‌های گوناگون، همکاری و هم‌افزایی داشته باشید. البته این هم‌افزایی و همراهی به معنای جدایی سپاه از عناصر هویتی خود نیست و سپاه باید عناصر هویتی خود را صددرصد حفظ کند.»

برای مثال در بحران شیوع ویروس منحوس کرونا، سپاه تلاش زیادی جهت خدمت به مردم و هم‌افزایی با دولت‌مردان انجام داد. نمونه‌های دیگر این خدمات‌رسانی‌ها را می‌توان در حوادث غیرمترقبه‌ای مانند سیل، زلزله، تأمین مایحتاج مردم مانند تأمین آب شرب در مناطقی مانند غیزانیه و... جست. البته این هم‌افزایی صرفاً محدود به حوادث غیرمترقبه نمی‌شود؛ چرا که کمک به توسعه و پیشرفت کشور، هم‌افزایی با نهادهای امنیتی، پشتیبانی از مجامع علمی، همیاری و همراهی با نهادهای نظارتی و قضایی در مبارزه با تخلفات و مفسد، تقویت دستگاه دیپلماسی با افزایش قدرت چانه‌زنی

و... نمونه‌هایی دیگر از هم‌افزایی سپاه پاسداران با دیگر ساختارهای موجود حاکمیتی و دولتی در نظام است. این خدمات فراجناحی سپاه باعث شده است که این نهاد انقلابی همچنان به عنوان یار و یاور مردم و مستضعفان و خاری در چشم مستکبران بشمار آید.

۶. مقابله با جنگ نرم با تأکید بر جهاد تبیین

جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدامی دانست که منجر به تضعیف یا دگرگونی افکار، اندیشه‌ها، باورها، اعتقادات و رفتارها با تأکید بر جذب اقدام به جای اجبار گردد؛ به طوری که با شکست یا انفعال حریف اهداف مجری تأمین شود. در جنگ نرمی که دشمن در آن دستاوردهای فکری، معنوی و اعتقادی انقلاب را آماج حملات نابرابر خویش قرار داده، تردیدی نیست که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن درک صحیح از عرصه نبرد و شناخت ابعاد و زوایای پیچیده و پنهان این تهاجم و با اعتقاد قلبی به این که جنگ نرم یک واقعیت است و هم اینک در جریان است، به دفاع و حراست از انقلاب و ارزش‌ها و شعائر آن پرداخته است. در همین زمینه، امروز با اهمیت‌یابی جهاد تبیین، با توجه به جنگ شناختی دشمن و تأکید رهبر معظم انقلاب بر مقابله با این جنگ، نقش سپاه در شکل‌دهی و عمل به این جهاد اهمیتی دوچندان می‌یابد. در واقع، سپاه در راستای تداوم نقش خود در مقابله با جنگ نرم، امروز پرچم‌دار جهاد تبیین به منظور خنثی‌سازی جنگ شناختی دشمن علیه نظام است.

چرایی تخریب سپاه

سپاه به عنوان یکی از مهمترین نهادهای انقلاب و نظام اسلامی همیشه مورد حمله، تهمت و تخریب مخالفین و معاندین نظام در داخل و خارج کشور بوده است. در این بخش به چرایی تخریب سپاه توسط این عوامل داخلی و خارجی خواهیم پرداخت. به طور کلی مهم‌ترین دلایل تخریب سپاه را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد:

۱. تفاوت ماهوی سپاه با نظام سلطه

آنچه از رفتارشناسی و تحلیل محتوای جریان مخالف سپاه بر می‌آید این است که انقلاب اسلامی و سپاه به عنوان مولود انقلاب، در تعارض ماهوی با نظام سلطه پدید آمده است و به علت همین تفاوت ماهوی، این حمله‌ها و تخریب‌ها علیه سپاه یک امر قطعی و قابل پیش‌بینی است. این نکته صحیح و درستی است که این حمله‌ها می‌تواند تصدیقی بر صحیح بودن مسیر طی شده از سوی سپاه باشد.

۲. سپاه ستون خیمه انقلاب اسلامی

سپاه را باید یکی از نهادهای قوام‌دهنده انقلاب اسلامی و به مثابه یکی از مهمترین نیروهای درون‌زای آن دانست. لذا یکی از دلایل حمله به سپاه را باید در این چسبندگی سپاه به انقلاب و نشانه گرفتن اصل نظام در حمله‌ها از سوی دشمن ذکر کرد. در واقع، سپاه مورد تهاجم و تخریب واقع می‌شود؛ زیرا می‌خواهند انقلاب و نظام اسلامی را مورد تهاجم قرار دهند.

۳. شکست طرح‌های استکبار جهانی خصوصاً آمریکا

در چند دهه گذشته غربی‌ها خصوصاً آمریکا طرح‌های بسیاری جهت تغییر و برهم زدن نظم منطقه داشتند که ایجاد و تقویت داعش در منطقه یکی از این طرح‌ها بوده است. در تمامی این موارد، نظام اسلامی با محوریت سپاه پاسداران، شکست‌دهنده و برهم‌زننده این طراحی‌ها در منطقه بوده است.

۴. ناکارآمدسازی تحریم‌ها و فشار حداکثری

در ۴۳ سال گذشته غربی‌ها خصوصاً آمریکا تلاش کرده‌اند با توسل به شیوه‌های مختلف از جمله حداکثرسازی فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها علیه ملت ایران، نظام جمهوری اسلامی را براندازی یا لااقل مجبور به تغییر رفتار کنند. سپاه با همگرایی با دیگر ارکان انقلاب و نظام و با استفاده از توانمندی‌های خود مانند قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) سعی کرده است مقابل روند افزایشی فشارها و تحریم‌های نظام سلطه بایستد و در رفع و خنثی‌سازی آنها به مردم و مسئولان کمک نماید. بخش ناگفته نقش سپاه در مقابله با تحریم‌ها و فشار حداکثری دشمنان، نقش‌آفرینی مؤثر سپاه در دور زدن تحریم‌ها و رفع محاصره اقتصادی کشور می‌باشد. در این زمینه، بویژه باید از نقش برجسته سرلشگر حاج قاسم سلیمانی سخن گفت که در دوره حداکثرسازی فشارهای ترامپ، با یک دیپلماسی مقاومتی و گشودن دروازه‌های عراق به روی ایران، عراق را به روزنه تنفس ایران در دوره فشارهای حداکثری تبدیل کرد.

۵. بازدارندگی سپاه

در ۴۳ سال گذشته بخشی از کشورهای پیرامونی ایران و بسیاری از کشورهای دیگر جهان مورد تعرض نظام سلطه قرار گرفته‌اند، اما برخلاف تاریخ معاصر که ایران همیشه محل تاخت و تاز اجانب بوده است، در دوره بعد از انقلاب اسلامی، به غیر از ۸ سال دفاع مقدس، ما هیچ وقت مورد تجاوز یا حمله مستقیم اجانب قرار نگرفته‌ایم که این مزیت بخاطر وجود بازدارندگی در نظام اسلامی است. بخش اعظمی از این بازدارندگی حاصل تلاش سپاه و نیروهای شاغل در سپاه است که موجب شده دشمن بخاطر نرسیدن به اغراض خود دست به هجمه روانی و تخریب علیه سپاه نزند.

۶. سپاه به عنوان نماد کارآمدی و شکست جنگ شناختی دشمن

اقدامات سپاه در برهه‌های مختلف انقلاب خصوصاً در مواقعی که نظام با بحران کارآمدی دولت‌ها و مسئولین و متولیان اجرایی مواجه بوده است، باعث گردیده که بسیاری سپاه را به عنوان یک نهاد کارآمد و نماد کارآمدی انقلاب و نظام اسلامی بدانند. این امر در حالی است که نظام سلطه به دنبال این است که انقلاب و نهادهای انقلابی منبعث از آن مانند سپاه را نماد ناکارآمدی و مشکلات موجود تعریف نماید. این امر موجب شده که نظام سلطه و جریان‌های داخلی همسو با آن به تخریب سپاه و هجمه علیه آن پردازند. در توضیح دقیق‌تر باید گفت که تمام تلاش دشمن در جنگ شناختی آن است که به افکار عمومی و نخبگی در داخل کشور بقبولاند که با اتکا به ظرفیت‌های داخلی ایران، نمی‌توان کشور را اداره کرد و بنابراین، بهترین راه‌حل پیش‌روی جمهوری اسلامی، تسلیم در برابر فشارهای خارجی است. برای

مقابله با این نقشه دشمن، سپاه با ورود به عرصه‌های اقتصادی و عمرانی مانند ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس، ساخت تونل، سد، پل، توسعه فازهایی از پارس جنوبی، هدایت آب‌های مرزی به داخل کشور و... نشان داده است که حتی در شرایط وجود فشارهای بی‌رحمانه خارجی می‌توان کارآمد بود. از این جهت، سپاه به نمادی از کارآمدی و امیدآفرینی در کشور تبدیل شده است و این درست در نقطه مقابل اهداف دشمن در جنگ شناختی قرار دارد. بنابراین، طبیعی است که دشمنان به تخریب سپاه روی آورند.

۷. سپاه نماد امیدآفرینی

رهبر معظم انقلاب در چند سال گذشته بر شناخت جریان تحریف و تبیین کارکرد آن تأکید بسیاری داشته‌اند. اگر کارکرد جریان تحریف را مایوس کردن مردم از انقلاب تعریف کنیم، سپاه را می‌توان به عنوان آنتی‌تز جریان تحریف قلمداد کرد؛ زیرا سپاه با خدماتی که در حوزه محرومیت‌زدایی، کمک به مستضعفان، تقویت توان دفاعی - امنیتی کشور و... داشته است، باعث امیدآفرینی در جامعه در نقطه مقابل جریان تحریف شده است.

بازیگران تخریب سپاه

ارکان، عاملان و بازیگران اصلی تخریب و هجمه به سپاه را همانا باید جریان تحریف دانست؛ جریانی که رسالت اصلی خود را وارونه جلوه دادن واقعیت‌های مرتبط با ایران تعریف کرده است و برای این منظور، به عناصر قدرت درون‌زای نظام حمله می‌کند. مهمترین ارکان و بازیگران این جریان که در کنار سایر حوزه‌ها و فعالیت‌ها، به تخریب سپاه نیز می‌پردازند، عبارت‌اند از:

۱. دشمنان خارجی

از دشمنان خارجی؛ یعنی نظام سلطه به رهبری آمریکا و شبکه همکار غربی و منطقه‌ای آن که تحت عنوان مثلث «غربی - عبری - عربی» از آنها یاد می‌شود، باید به عنوان رأس هرم تخریب سپاه نام برد. مثلث غربی - عبری - عربی به موازات تحریم، برای باورپذیری، افزایش شدت و دامنه‌ی تأثیرگذاری تحریم‌ها و همچنین، تحقق سهل‌تر و آسوده‌تر اهدافی که با اعمال جنایت تحریم به دنبال دستیابی به آن هستند، جریان تحریف واقعیت‌های مرتبط با ایران را هم راه‌اندازی کرده‌اند و در این راستا است که به تخریب سپاه می‌پردازند. اینان با تحریف درصدد هستند تا از ایدئولوژی نظام، ساختارها، کارگزاران انقلابی و سیاست‌های نظام، اعتبارزدایی کرده و تصویری تیره و تار از آینده‌ی کشور، با وجود حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه دهند. در همین راستا، این ضلع یا رکن مخرب در تبلیغات خود تلاش می‌کند تا اولاً، تصویری اختاپوس‌وار از سپاه نشان دهد که بر همه چیز کشور تسلط دارد و ثانیاً، سپاه را مسئول تمامی مشکلات کشور قلمداد کند و ثالثاً، امکان حل مشکلات کشور با وجود سپاه را غیرممکن بدانند. به عنوان مثال اصرار آمریکا در مذاکرات احیای برجام بر عدم حذف سپاه از لیست سازمان‌های تروریستی خارجی (FTO) و بنابراین، مانع‌آفرینی بر سر احیای برجام به این دلیل، اقدامی است که به منظور تخریب سپاه از سوی آمریکا تلقی می‌شود.

۲. ضدانقلاب خارج‌نشین

شامل همه‌ی جریان‌ها و عواملی می‌شود که خود را در مقابل انقلاب و نظام اسلامی تعریف کرده و درصدد ضربه زدن به آن هستند. از جمله اینها می‌توان به سلطنت‌طلبان، منافقین، برخی بقایای خارج‌نشین گروه‌های چپ مارکسیستی و... اشاره کرد. مسلم است که اینان علاوه بر داشتن سوابق جنایت و اقدامات ضدامنیتی؛ یعنی داشتن انگیزه‌های ذاتی لازم برای مقابله با نظام و مردم، تکمیل‌کننده‌ی بخشی از جورچین دشمنی نظام سلطه با انقلاب اسلامی در قالب جریان تحریف هستند و در این راستا است که به تخریب سپاه مشغول هستند.

۳. اپوزیسیون داخلی

ضلع سوم جریان تخریب‌گر سپاه که قاعده‌ی هرم این جریان محسوب می‌شود، همانا یک جریان خزنده فکری - فرهنگی در برخی رسانه‌ها و مطبوعات کشور و همچنین در میان برخی دانشگاهیان و روشنفکران و مسئولان کشور است که اصطلاحاً در راستای «بین‌المللی و یا جهانی کردن» ایران و در واقع، به منظور هماهنگ‌سازی روندها و سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور با جریان‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند. در واقع، در حالی که لایه‌ی اول؛ یعنی نظام سلطه، سیاست‌گذار و بازیگرِ راهبردی برای تخریب سپاه است، دو لایه‌ی دیگر در حکم کارپرداز و «آلت فعل» آن عمل می‌کنند. اجزای این ضلع سوم، به هر بهانه‌ی ریز و درشتی به اتهام‌زنی علیه سپاه و حوزه‌های فعالیت آن می‌پردازند. حملات متعدد رئیس دولت قبل به سپاه و متهم‌سازی آن به فساد با عناوینی چون «اگر تفنگ، پول، سایت و... دست کسی باشد، اگر سلمان و ابوذر هم باشد، فاسد می‌شود» از این دست تخریب‌هاست.

در واقع، متهم کردن سپاه به فساد، انحصار، برهم زدن برجام (باتوجه به آزمایش موشکی سپاه بعد از انعقاد برجام)، «دولت با تفنگ» نامیدن سپاه، انتقاد و مخالفت با فعالیت‌های سازمان اطلاعات سپاه بویژه در دستگیری برخی فعالان محیط زیست و کاوه مدنی، معاون سازمان محیط زیست و دستگیری حسین فریدون و مهدی جهانگیری و... از مهمترین محورهای تخریب و حمله به سپاه توسط عوامل داخلی در سال‌های اخیر می‌باشد. در این زمینه می‌توان از محوریت نشریاتی مانند صدا، مهرنامه و غیره در تخریب سپاه نام برد. به عنوان مثال می‌توان به شماره ۴۲ (تیرماه ۹۴) «ماهنامه علوم انسانی مهرنامه» اشاره کرد که در پرونده‌ای با عنوان «سرداران و سیاستمداران» به تلاش برای منحرف نشان دادن سپاه از مأموریت‌های اولیه، متهم کردن جریان فکری غالب سپاه به نظامی‌گری در حوزه فرهنگ، مقصر دانستن نظامیان در شکست خصوصی‌سازی در کشور، متهم کردن نظامیان به دخالت در سیاست (انتخابات، سیاست خارجی و...) و غیره پرداخته بود (مهرنامه، شماره ۴۲، صص ۱۰۴-۱۸۵).

سخن پایانی

یکی از نقطه تمایزات انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌های معاصر منطقه غرب آسیا، نهادسازی براساس ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب است. یکی از این نهادها که در طی بیش از ۴۰ سال گذشته خدمات شایانی به نظام و انقلاب نموده است، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. همان‌گونه که در اصل ۱۵۰ قانون اساسی وظیفه سپاه فراتر از یک نیروی

نظامی و دفاع و پاسداری از انقلاب در همه عرصه‌ها تعریف شده است، سپاه توانسته است خدمات زیادی در سطح ملی و منطقه‌ای به مردم ایران و مسلمانان و مستضعفان منطقه ارائه نماید. بی‌تردید، همین خدمات شایسته است که منشا و مبنای هجمه و تخریب این نهاد انقلابی را برای افراد و جریان‌هایی که به دنبال براندازی نظام بوده‌اند، فراهم می‌نماید. در واقع، این جماعت به این نتیجه رسیده‌اند که براندازی نظام از مسیر ناتوان‌سازی و تضعیف نهادهایی مانند سپاه می‌گذرد. به زبان ساده، افتادن خیمه انقلاب را با زدن ستون این خیمه که سپاه هست پیگیری می‌کنند. مواردی مانند انتشار گسترده فایل صوتی چند سال پیش فرماندهان سابق سپاه در روزهای اخیر، ماجرایی کاملاً دروغ و ساختگی کاترین شکدم و... نشان می‌دهد که امروزه دشمنان از همه ابزارها و توانایی‌های خود در این مسیر استفاده می‌کنند و این هجوم همه جانبه نیازمند جهاد تبیین از سوی خواص انقلاب است تا با برشمردن خدمات سپاه به ملت و انقلاب جلوی این اهداف شوم گرفته شود تا سپاه عزیز و خدوم، بیش از پیش نزد ملت ایران و آزادی‌خواهان عالم الگو قرار گیرد.

پاسخ به چند شبهه و تردیدافکنی همیشگی در باره سپاه

درباره‌ی نقش سپاه در حوزه‌های مختلف، سؤالات و شبهات متعددی مطرح می‌شود که عمده آنها ماهیت افتراگونه و تهمت‌زنی دارد و نیاز به پاسخگویی و تبیین ندارد. با این حال، چند شبهه مهم و عمده درباره سپاه که همواره تکرار و بازنشر داده می‌شود و به نوعی همه اتهامات و تردیدافکنی‌ها در باره این نهاد انقلابی از آنها نشأت می‌گیرد، لازم است در راستای جهاد تبیین و تنویر افکار عمومی و مقابله به جنگ ادراکی دشمنان به بررسی آنها پرداخته شود.

۱. سپاه و سازندگی

به طور کلی درباره منطق نقش‌آفرینی سپاه در حوزه اقتصاد از جمله در عرصه سازندگی باید گفت که از آنجا که مخارج سپاه از بودجه سالانه آن تأمین می‌شود، نوع ورود سپاه به مسائل اقتصادی و عمرانی، اساساً برای تأمین هزینه‌های آن نیست. در واقع، سپاه چون برای تأمین مخارج خود نیازمند به کسب درآمد و ایجاد بنگاه اقتصادی نیست، در به عهده گرفتن بسیاری از پروژه‌های عمرانی و اقتصادی صرفاً براساس ملاحظات مادی ورود نمی‌کند، به گونه‌ای که در انجام بسیاری از پروژه‌ها هیچ سودی نمی‌برد یا سود کمی می‌برد و برخی پروژه‌ها را در شرایطی می‌پذیرد که شرکت‌های دیگر توان انجام آنها را ندارند. در همین راستا، شبهات دیگری چون رقابت سپاه با شرکت‌های خصوصی در کارهای عمرانی و سازندگی مطرح می‌شود که در پاسخ به آنها و به طور کلی درباره منطق ورود سپاه به حوزه عمرانی - سازندگی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف) اکثر پروژه‌های واگذار شده به سپاه در زمان دولت دوم احمدی نژاد در یک فضای رقابتی و به صورت مناقصه واگذار شده است که به خاطر رقابت شرکت‌های کوچک، قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء تنها پروژه‌های بالای ۱۰۰ میلیارد را می‌پذیرفت که از توان شرکت‌های خصوصی خارج بود.

ب) برخی پروژه‌ها مانند اسکله‌سازی‌ها، تونل‌سازی، حفر چاه برای استخراج گاز در دریا، جوش زیر دریا و... اساساً فاقد داوطلبی برای انجام بودند؛ زیرا بخش خصوصی در این حوزه‌ها نه تنها سابقه‌ای نداشت، بلکه امکانات لازم را هم نداشت.

ج) قرارگاه خاتم در جاهایی ورود پیدا می‌کند که به دلایلی همچون تحریم و... پروژه‌ها نیمه تعطیل مانده یا پروژه‌هایی است که تبعات و ملاحظات امنیتی داشت مانند لوله‌کشی خط گاز صلح در مناطقی از سیستان و بلوچستان.

د) پروژه‌هایی که سپاه انجام داده است، آثار جانبی مهمی چون ساخت مسجد، مدرسه و... را نیز به همراه داشته است. در صورتی که بخش خصوصی به هیچ وجه این گونه فعالیت‌های داوطلبانه فرهنگی را در کنار پروژه‌های خود انجام نمی‌دهد. مانند ساخت مصلی در عسلویه از سوی قرب کوثر. منظور این است که قرارگاه سازندگی سپاه در کنار و همراه با انجام پروژه‌های عمرانی، فعالیت‌های فرهنگی - عمرانی متعددی مانند ساخت مدرسه، مسجد، بیمارستان و... نیز به طور داوطلبی و بدون آورده اقتصادی انجام داده است.

۲. نقش آفرینی سپاه در حوزه سیاست

شبهه‌افکنی درباره فعالیت‌های سیاسی سپاه بیشتر متمرکز بر چند حوزه است؛ کیفیت رابطه سپاه با جریان‌های سیاسی، مقابله سپاه با ضدانقلاب، نقش آفرینی سپاه در سیاست منطقه‌ای و به طور کلی سیاست خارجی کشور (طرح دوگانه میدان - دیپلماسی) و... که در نهایت منجر به شکل‌گیری این شبهه می‌شود که سپاه از مأموریت ذاتی و اولیه خود فاصله گرفته و در سیاست بر خلاف اصول قانون اساسی و راهبردهای امامین انقلاب مداخله می‌کند! در پاسخ به این شبهات می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

الف) اساساً نوع نگاه سپاه پاسداران به سیاست نه از زاویه منافع فردی، گروهی و جریانی است که از نوع نگاه تکلیف محورانه و با هدف حفظ انقلاب و دستاوردهای آن و ارتقای این دو می‌باشد و از این جهت، سپاه در نگاه به سیاست دقیقاً مطابق با مأموریت ذاتی خود عمل می‌کند و اگر تاکنون سپاه به مهار آشوب آفرینی‌ها و فتنه‌ها و در کل، مقابله با تحریکات ضدانقلاب در فتنه ۸۸ و سایر تحریکات مشابه پرداخته است، عیبی متوجه آن نیست که اتفاقاً حسنی برای آن و عمل به تکلیف‌اش مطابق با قوانین کشور و اساسنامه سپاه محسوب می‌شود.

ب) مطابق با دکترین رفتار سیاسی سپاه، دخالت سپاهیان در انتخابات امری مردود و باطل محسوب می‌شود، اما این نیز به معنای عدم آگاهی و نقش آفرینی سپاه در حوزه انتخابات نیست، بلکه سپاه چون عهده‌دار پاسداری از انقلاب است، بر اساس مأموریت ذاتی خود، در این عرصه بدون آنکه وارد مبارزات گروهی و دسته‌بندی‌های مرسوم جناحی شود، به آگاهی بخشی و بصیرت‌افزایی سیاسی آحاد پاسداران و جامعه بسیجیان می‌پردازد و علاوه بر تبیین اهمیت و ضرورت مشارکت حداکثری مردم در انتخابات‌ها، معیارهای انتخاب اصلح را برای نیروهای خود تبیین می‌کند. بنابراین، اقدامات بصیرت‌افزایانه سپاه در زمینه آشنایی با جریان‌های سیاسی نیز به هیچ وجه مصداق دخالت در سیاست نیست بلکه اقتضای

مأموریت ذاتی آن می‌باشد. منظور این است که اگر قرار است سپاه به وظیفه ذاتی خود در قبال انقلاب عمل کند، لازم است مسائل زمان و جریان‌های موجود جامعه و جهان را بشناسد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که از تجمیع آرای تک تک پاسداران بر فرد یا گروهی خاص نباید حمایت سپاه از آن فرد یا گروه مستفاد شود؛ عموم پاسداران می‌توانند آزادانه کاندیدای مورد نظر خود را در هر انتخاباتی انتخاب کنند، حال اگر تمایل عمومی آنان به سمت فرد یا گروه خاصی باشد، نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که سپاه از فلان فرد یا فلان گروه در انتخابات حمایت کرده است.

ج) حوزه فعالیت و عملکرد سپاه در جهت حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن تعریف و مشخص می‌شود و اگر برخی جریانات و گروه‌ها در برهه‌ای از زمان سابقه انقلابی‌گری و نقش‌آفرینی در نهضت اسلامی داشته‌اند، اما در برهه دیگر، با تأثیرپذیری از جریانات دگراندیش و مطرودی مانند نهضت آزادی، خلاف گذشته خود عمل کرده و علیه انقلاب و نظام اسلامی قدم برداشته‌اند و سپاه در مقابل آنها موضع‌گیری کرده است، ایرادی متوجه سپاه نیست؛ چرا که سپاه در راستای مأموریت ذاتی خود عمل کرده است. در این زمینه، ایراد متوجه کسانی است که با در پیش گرفتن راه دگراندیشی و تأثیرپذیری از جریانات مطرود، خلاف آرمان‌های امام(ره) و انقلاب حرکت کرده‌اند. به بیان دیگر، مأموریت‌های سپاه متناسب با شرایط زمان و مکان، اما در راستای همان اصول و خط‌مشی‌ها پیگیری می‌شود؛ بدین معنا که زمانی موجودیت انقلاب اسلامی با اقدامات مسلحانه گروه‌های چریکی ضد انقلاب و گروهک نفاق در معرض خطر قرار داشت که سپاه برای مقابله با این جریانات دست به اسلحه می‌برد اما در زمان حاضر که موجودیت انقلاب اسلامی با جنگ نرم و شناختی به رهبری استکبار جهانی و پیاده نظامی برخی عناصر داخلی در معرض خطر قرار دارد، باز هم سپاه موظف است اقدامات متناسب با رسالت ذاتی خود در حفظ واقعیات و دستاوردهای انقلاب را انجام دهد که همان جهاد تبیین است.

د) در مورد دوگانه میدان - دیپلماسی نیز به اجمال باید گفت کیست که نداند نقش‌آفرینی‌های مؤثر نیروی قدس سپاه در سطح منطقه علاوه بر دور نگه‌داشتن کشور از بسیاری از تهدیدات امنیتی، بسط حوزه منافع ملی و... سبب دلگرمی و قوت قلب برادرانمان در محور مقاومت اسلامی در منطقه شده و در عین حال، پشتوانه مستحکمی برای دیپلماسی کشور ایجاد کرده است. توجه به این نکته نیز ضروری است که نیروی قدس سپاه، به دلیل مأموریت‌اش، از جمله نهادهای تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری‌های خارجی و امنیتی کشور است و در این زمینه نیز با وزارت خارجه، به دلیل هم‌پوشانی حوزه مأموریت‌های این دو، همکاری کامل دارد و اگر در این زمینه نیز اختلاف‌نظرهایی میان این دو وجود دارد، طبیعتاً می‌بایست نظر سپاه قدس صائب و مبنای عمل قرار گیرد؛ زیرا این سپاه قدس است که در صحنه عملیات مستشاری در منطقه حضور دارد و تحولات را به طور دقیق رصد می‌کند. هرچند این نیز به معنای نفی و نادیده گرفتن تلاش‌های دیپلمات‌های کشورمان نیست.

۳. سپاه و توافق احیای برجام

شبهات این حوزه متمرکز بر چند موضوع است؛ چرایی مخالفت سپاه با برجام قبلی و حمایت وی از احیای برجام در مقطع کنونی، نقش (ممانعت) سپاه در توافق احیای برجام و... در پاسخ به این شبهات می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

الف) انتقادهای سپاه نسبت به برجام به دلیل ضعف‌هایی بود که در متن برجام و در کیفیت اجرای آن وجود داشت. به عنوان مثال، در برجام سابق، در حوزه راستی‌آزمایی تعهدات طرف مقابل از سوی ایران یا گرفتن تضمین از طرف مقابل، هیچ مطلبی قید نشده بود، اما در توافق احتمالی احیای برجام، این ضعف‌ها حل و رفع شده است.

ب) هم‌اکنون نیز در توافق احیای برجام، مخالفت آمریکا با حذف نام سپاه از لیست گروه‌های تروریستی (FTO) که سبب شده تا توافق احیای برجام نهایی نشود، ربطی به سپاه ندارد، بلکه این امر ریشه در سیاست غلط آمریکا در برابر ایران دارد. در این خصوص باید توجه داشت که اولاً سیاست قطعی آمریکا در برجام، عدم انتفاع اقتصادی ایران است و به همین منظور، سپاه را بهانه قرار داده است. بنابراین، اگر سپاه هم نبود، آمریکا موضوع دیگری را بهانه قرار می‌داد. ثانیاً این اقدام آمریکا، نوعی عملیات روانی علیه سپاه است تا آن را در برابر افکار عمومی داخلی قرار دهد و گرنه سپاه همواره از رفع تحریم‌ها حمایت کرده و می‌کند. ثالثاً از زوایه دیگری، دست گذاشتن آمریکا بر روی تداوم تحریم سپاه، نوعی تله است؛ زیرا اگر هم جمهوری اسلامی با ماندن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی موافقت کند و توافق نهایی شود، باز هیچ امیدی به برداشتن مؤثر تحریم‌ها از سوی آمریکا وجود ندارد؛ چون آمریکا باز ارتباط با سپاه را بهانه قرار می‌دهد و به دلیل ارتباط نهادهای داخلی با سپاه، مجدد آنها را تحریم می‌کند. به همین دلایل است که نظام با ماندن نام سپاه در لیست گروه‌های تروریستی مخالفت کرده است.

۴. تعارض کارکردهای سپاه در منطقه با منافع ملی و هزینه سازی برای کشور

پاسخ:

اولاً، منافع ملی حوزه‌های مختلفی دارد که در صدر آنها تأمین امنیت و ثبات قرار دارد. (مگر امنیت جز منافع ملی نیست؟!؛) ثانیاً، اگر سپاه و مدافعان حرم نبودند، باید در کرمانشاه و همدان با تکفیری‌ها می‌جنگیدیم. ثالثاً، هزینه‌های سپاه در منطقه در مقایسه با هزینه‌های ۷ تریلیون دلاری جبهه دشمنان در منطقه بسیار ناچیز است. رابعاً، نقش آفرینی سپاه در منطقه، دستاوردهای اقتصادی در حوزه دور زدن تحریم‌ها و تقویت دیپلماسی اقتصادی را داشته است. (حجم تجارت ایران با عراق به حدود ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد که این مهم با دیپلماسی مقاومتی رخ داد) خامساً، مشکلات و ناکارآمدی‌های اقتصادی در داخل به طور عمده در اثر ضعف مدیریت، مشکلات ساختاری و فشارهای خارجی ایجاد شده و هیچ نسبتی میان حضور سپاه در منطقه با ایجاد مشکلات اقتصادی وجود ندارد.

۵. گرفتاری سپاه و برخی از فرماندهان سپاه به فساد اقتصادی.

پاسخ:

اولاً، سپاه نه تنها گرفتار فساد نیست، بلکه یکی از نقاط درخشان کارنامه آن، مبارزه با فساد است. ثانیاً، اساس ورود سپاه به اقتصاد به دلیل شرایط تحریمی، ضعف بخش خصوصی و توانمندی‌های سپاه بود و از ورود سپاه به اقتصاد نمی‌توان، رأی به فاسد بودن آن داد.

ثالثاً، فساد احتمالی اعضای وابسته (بازنشسته) ربطی به سپاه ندارد.

رابعاً، در فایل صوتی اخیر نیز اتفاقاً فرمانده سابق سپاه رویکردی فسادستیزی دارد.

خامساً، تاکنون هیچ فسادی در سپاه اثبات نشده است.